

# ضرورت قهرمان پردازی شهدای دفاع مقدس به عنوان قهرمانان ملی در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطالعه موردی: بررسی میزان قهرمان پردازی در نقاشی دیواری های دفاع مقدس

زهرا محمودی<sup>۱</sup>

## چکیده:

همواره از شهدای دفاع مقدس که در زمره قهرمانان ملی ایران اسلامی قرار دارند، به عنوان الگوهایی یاد می‌شود که سنگ بنای پیشرفت و سربلندی ایران اسلامی را بنا نهادند. از آنجا که فطرت انسانی میل به خوبی دارد و به دنبال کشف عوامل موفقیت برای حرکت رو به جلوست، سنت شناسایی قهرمانان و معرفی ایشان به عنوان کسانی که برای دوام و حیات ملت از بزرگ‌ترین سرمایه یعنی جانشان دریغ نکرده‌اند بسیار ضروری است و ضرورت این مطلب آنجاست که با شناخت دقیق این قهرمانان می‌توان افرادی را برای آینده تربیت نمود و روحیه مبارزه برای آرمان‌ها و تلاش و مجاهدت بی‌وقفه را زنده کرد. این مقاله به ضرورت قهرمان پردازی شهدا به عنوان الگوهای ایرانی اسلامی و اسوه‌های صبر و ایثار، در آثار نقاشی دیواری دفاع مقدس پرداخته و به تحلیل رخنمود این مطلب در آثار مربوطه می‌پردازد. به این منظور ۱۰۰ اثر نقاشی دیواری با مضمون دفاع مقدس (مربوط به دهه هفتاد تاکنون) بر اساس انتخاب تصادفی بررسی شده است. به نظر می‌رسد این حوزه پر مخاطب در شناساندن حقیقی قهرمانان ملی به عنوان الگو چندان سهم مؤثری نداشته و در تعامل با محیط چالش‌های فراوانی را بوجود آورده که کمتر در بوته نقد کارشناسان قرار گرفته است. بررسی نقاشی دیواری‌های دفاع مقدس و مطالعه ویژگی‌های آن نه تنها می‌تواند راهکار مناسب ارائه نماید بلکه ویژگی‌های آن را نیز تبیین کرده است که این بررسی و نتایج آن در این پژوهش ذکر شده است.

**واژگان کلیدی:** قهرمان، الگو، اسلامی، ایرانی، پیشرفت، نقاشی دیواری، دفاع مقدس

## ۱-مقدمه

ماهیت اصلی انقلاب اسلامی که سبب وقوع تحول اجتماعی عظیم در ایران بود و مقدمه انقلاب جهانی محسوب می‌شد که انسانیت، ظلم ستیزی، مبارزه با استکبار جهانی، حمایت از محرومین و پابرهنگان، اشاعه اخلاق و ارزش‌های اسلامی و تبدیل شدن به یک الگوی اسلامی پیشرو را در صدر اهداف خود

<sup>۱</sup> دانشگاه تربیت مدرس، کارشناس ارشد رشته نقاشی

دنبال می‌کرده و بسیاری از کشورها را نیز تحت تأثیر مبارزات ظلم ستیزی خود قرار داده است. بدون شک در این جایگاه، استفاده از هنر به عنوان ابزاری مؤثر جهت تبیین این ارزش‌ها و معرفی آن به تمام کسانی که آن را نمی‌شناسند، اهمیتی صد چندان می‌یابد که معرفی قهرمانان آن به عنوان الگوهای پیشرو، منجر به توفیقات بیشتر در آینده خواهد شد. از این رو شناخت ابعاد مختلف این توفیقات امری ضروری است.

مقاومت و پیروزی انقلابی نوپا در جنگی تحمیلی از سوی ابرقدرت‌ها، به مدد جوانانی کم سال، مسئله‌ای بی اهمیت و قابل اغماض نیست. قهرمانان ملی که برای دوام جامعه و ارزش‌های جدید حاکم بر آن از جان گذشتند و به تعبیر مقام معظم رهبری اکنون به یک الگوی با عظمت برای جوانان و آحاد مردم تبدیل شدند.<sup>۱</sup> پس از پایان دوران دفاع مقدس، با ثبات موقعیت کشور و خروج از حالت فوق العاده جنگ، تغییراتی در روند شکل‌گیری آثار نقاشی دیواری بوجود آمد و از طرف دیگر ماهیت کلی آثار حفظ گردید و به پیشانی هنر دفاع مقدس در سطح شهر بدل گشت چرا که بیش از هر نوع اثر هنری دیگری (اعم از مجسمه‌های شهری، تندیس‌ها، و اجراهای هنری دیگر) در سطح شهرهای ایران به چشم می‌خورند. از این رو از اهمیت زیادی برخوردار بوده، و باید دید بعد از گذشت سه دهه از آغاز دفاع مقدس، انتقال دهنده مضامین دفاع مقدس و معرف قهرمانان آن به نسلی که هرگز آن دوران را ندیده‌اند، بوده است؟

## ۲- محتوا

با توجه به ماهیت اصلی و اساسی نقاشی دیواری‌های دفاع مقدس و ریشه‌ها و منشأ تولد آن - که همان شعارنویسی‌های انقلاب است - آنچه این هنر را بطور آشکار از سایر حوزه‌ها جدا می‌سازد، موضوع و محتوای این آثار است. «به طور کلی آنچه به این نوع نقاشی‌ها هویت خاصی بخشیده و آن را از نقاشی پیش از انقلاب متمایز می‌سازد در زمینه سوژه‌ها و مضامین، قابل جستجو است.»<sup>۲</sup> چونانکه «هیچ اثر هنری را نمی‌توان خارج از زمینه‌های تاریخی آن درک کرد»<sup>۳</sup>، سوژه‌ها و مضامین پدید آورنده این آثار به فضای معنوی که توسط انقلاب اسلامی ایران در کشور پدید آمده بود باز می‌گردد. مفاهیم جهاد و مبارزه در راه حق والگو گرفتن از اسوه‌های بزرگ شیعه همچون امام حسین (علیه السلام)، روحیه شهادت و ایثار پیش از گذشته برفضای کشور طنین افکن بود، بنابراین "فرهنگ

<sup>۱</sup> سید علی، خامنه‌ای - مجموعه بیانات در دیدار اقشار مردم و خانواده شهدا در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۰

<sup>۲</sup> محمد، آوینی، خلاقیت و تجربه معنوی، نشریه خیال شرقی شماره ۴، ۱۳۸۸، ص ۱۶۴

<sup>۳</sup> هورست ولدمار و آنتونی ف جنسن پیشین، ص ۳۳



عاشورا، شهادت، ایثار، و... موضوعات جدیدتری بود که به نقاشی معاصر ایران دمیده شده بود" (مصاحبه با ناصر پلنگی)<sup>۱</sup>

بنا بر توصیف هنرمندان این دوره: «دوران جنگ تجلی هر دو بود، هم تجلی عشق بود و هم مرگ، اشک، حماسه، خنده و نیایش، همه این‌ها بود».<sup>۲</sup> «تحمیل جنگ و دفاع در مقابل آن، فقط به تخریب و آوارگی و اسارت ختم نشد، بلکه میدانی بود، برای آنان که خود را انقلابی می‌دانستند و بعضاً بر سر سفره‌هایی نشسته بودند که با خون هزاران شهید این سرزمین گسترده شده بود، هنرمندان وظیفه داشتند تا زوایای گوناگون این جنگ را به تصویر بکشند، تابلوهایی با موضوع شهادت، ایثار، حماسه، اسارت و...»<sup>۳</sup>

بررسی محتوایی آثار، ما را به سوی یافتن جهان بینی هنرمند سوق می‌دهد، «ما از نظر فرم یک هنر نمایشی داریم و یک هنر غیر نمایشی ... اما از نظر محتوا این موضوع بستگی به نوع بینش ما در فلسفه، انسان شناسی و جامعه شناسی دارد.» (مصاحبه با کاظم چلیپا)<sup>۴</sup> و می‌توان گفت زاویه نگاه هنرمندان در آثار نقاشی دفاع مقدس کاملاً هویداست که این روند در نقاشی دیواری نیز دنبال شده است. با توجه به مضامینی که در هنر دفاع مقدس عمدتاً مورد توجه قرار گرفت، شاید بتوان بخشی از آن را هنری دینی و شیعی نیز به حساب آورد، که به شدت متکی به مفهومی است که ارائه می‌کند، "در مبحث هنر دینی و شیعی معیار مفهوم است، با چه تکنیکی؟ مهم نیست، مهم اینست که بیننده و مخاطب را به فضایی ببرد که مشخصاتی از شیعه را از آن برداشت کند و وارد آن فضا بشود" (مصاحبه با عبدالحمید قدیریان)<sup>۵</sup> و "نقاشان ما تلاش کرده‌اند تا مبانی صوری نقاشی‌های تمام ادوار دینی در تاریخ تمدن بشر را شناخته و نکات مشترک را در زبان هنری این آثار به کار گیرند" (مصاحبه با ناصر پلنگی).<sup>۶</sup>

اما برای بررسی دقیق‌تر محتوای آثار و اینکه نقاشی دیواری‌های دفاع مقدس تا چه حد در بیان محتوا موفق بوده‌اند، باید قالب و محتوا را با هم بررسی و سپس نتیجه گرفت، فارغ از تمام فریادهای «هنر برای هنر»<sup>۷</sup> که «اصالت زیبایی شناختی و ارزش‌های هنر بصری را تنها در کیفیت‌های صوری و نه در

<sup>۱</sup> ناصر، پلنگی، بوی خون و خاکستر هنوز در مشام من است، نشریه خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸، ص ۴۰۶

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> مرتضی، اسدی، نقاشی جنگ برای صلح، نشریه خیال شرقی، شماره ۴، ۱۳۸۸، ص ۲۸۹

<sup>۴</sup> کاظم، چلیپا، مشکل سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت‌هاست، نشریه خیال شرقی ۴، نشر فرهنگستان هنر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴

<sup>۵</sup> عبدالحمید، قدیریان، در هنر دینی و شیعی معیار مفهوم است، نشریه خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸، ص ۳۲۴

<sup>۶</sup> فائقه، بقراطی، پیشین، ص ۱۰۸

<sup>۷</sup> Art for art's sake



موضوع و مضمون می‌داند.<sup>۱</sup> محتوا و مضمون - در آثاری که در پی انتقال پیام، خصوصاً پیام‌های معنوی هستند- نقشی اساسی ایفا کرده و قالب و محتوا یا به عبارتی صورت و معنا دو جزء جدایی ناپذیر از یکدیگر خواهند شد، چنانکه متفکر شهید سید مرتضی آوینی پا را فرا تر نهاده و هنر دینی را ورای گزینش قالب برای محتوا می‌داند و معتقد است: «هنر دینی ماده و صورت، قالب و محتوا، هر دو را از دین می‌گیرد و الهامات و شوارق دینی و عرفانی، خود عین هنر هستند نه اینکه این‌ها در قالب‌هایی مجزا و منفک از خویش تزریق شوند»<sup>۲</sup> درستی این مطلب آنجاست که عکس آن نیز همان نتیجه را در بر دارد. «بتدریج با مطالعه تاریخ هنر این نتیجه بدست آمده که انواع سبک‌ها و تمهیدهای نظم بخشی و قواعد سازماندهی که صورت ظاهری نقاشی‌ها را می‌سازند، خود بیانگر محتوایی معین‌اند، به سخن دیگر، تجربه زیسته و اندیشیده نقاش چیزی است چون روح درونمایه اثر که در کالبد فرم و ساختار نمایان می‌شود.»<sup>۳</sup> برخی نقاشان نیز به این نکته اذعان داشته و گفته‌اند: "از جهت صورت و قالب به این نتیجه رسیدیم که هر جهان بینی قالب خاص خودش را می‌خواهد." (مصاحبه با غلامعلی طاهری)<sup>۴</sup>

اما اینکه تا چه حد نقاشان دیواری به این باورها جامه عمل پوشانیده‌اند، در بررسی توأمان قالب و محتوا امکانپذیر است. در قدم بعد و در یک بررسی کلی، محتوای آثار را با بررسی میزان نیل به قهرمان پردازی مورد سنجش قرار داده و سپس قالب آثار با این مضمون بررسی خواهند شد.

## ۲-۱ قهرمان پردازی:

قهرمان پردازی موضوعی است که در تمام جوامع بشری از گذشته تا حال مورد توجه بوده است. از آنجا که فطرت انسانی میل به خوبی دارد و به دنبال کشف عوامل موفقیت برای حرکت رو به جلوست، سنت شناسایی قهرمانان و معرفی ایشان به عنوان کسانی که برای دوام وحیات ملت از بزرگ‌ترین سرمایه یعنی جانشان دریغ نکرده‌اند بسیار پسندیده و البته ضروری است و ضرورت این مطلب آنجاست که با شناخت دقیق این قهرمانان می‌توان افرادی را برای آینده تربیت نمود و روحیه مبارزه برای آرمان‌ها و تلاش و مجاهدت بی وقفه را در مردم زنده کرد. در صفحات قبل از ضرورت پرداختن به شخصیت‌های ایثارگران دفاع مقدس به عنوان قهرمانان ملی و اسوه‌های مقاومت سخن گفتیم و در این بخش به بررسی بیشتر این موضوع می‌پردازیم.

<sup>۱</sup> رویین، پاکباز، پیشین، ص ۳۲

<sup>۲</sup> سید مرتضی، آوینی، حلزون‌های خانه به دوش، نشر ساقی، صص ۲۲-۲۷ و آوینی پاسخ می‌دهد، تدوین مجید، باقری، نشر سازمان بسیج دانشجویی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲، ص ۷۸

<sup>۳</sup> فائقه، بقراطی، پیشین، ص ۱۱۳

<sup>۴</sup> غلامعلی طاهری، وقتی به قطعه شهدا می‌روم تمام چهره‌ها برایم آشنا هستند، خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸، ص ۴۴۷

«قهرمان<sup>۱</sup> در گفتار روزانه به معنی انسان شجاع و برجسته به کار می‌رود»<sup>۲</sup>، انسانی شجاع که در رویارویی با مرگ از هیچ چیز نمی‌هراسد، «ریشه این واژه در هروس یونانی است: افرادی که در سفرهای متعدد شرکت کرده و به جنگ با دشمنان می‌پردازند... علیرغم آنکه جنگ موضوعی ناپسند و تنش زاست اما مبارزه بین نیروهای خیر و شر همواره موضوعی جدی و مورد توجه همه انسان‌هاست»<sup>۳</sup> و در طول تاریخ انسان‌هایی برای مبارزه با شر به پا خاسته‌اند.

قهرمانیگری<sup>۴</sup> در بسیاری از متون در کنار چگونگی مواجهه با مرگ بیان شده است، ارنست بکر<sup>۵</sup> وحشت از مرگ را با نگاهی به قهرمانیگری و جایگاه آن در اندیشه مدرن را توضیح می‌دهد و به نقل از شلر<sup>۶</sup> اینطور آغاز می‌کند: «قهرمانیگری در درجه اول و مهم‌تر بازتابی از وحشت مرگ است، ما شهامت روبرو شدن با مرگ را می‌ستاییم، ما بالاترین و پایاترین تحسین خود را نثار چنین شهامتی می‌کنیم... چرا که شک داریم خود در برخورد با مرگ تا چه میزان با شهامت خواهیم بود»<sup>۷</sup> زیگموند فروید<sup>۸</sup> از تأثیر گذارترین روانشناسان معاصر نیز ضمن اینکه بیان می‌کند فکر مرگ برای همه ما هراس آور است و ما تنها در عوالم داستان و تئاتر و ادبیات به آن می‌اندیشیم می‌گوید: «ما با قهرمان داستان همذات پنداری کرده، با او می‌میریم و بعد از مرگ قهرمان داستان دوباره زنده‌ایم و حاضریم بار دیگر با او بمیریم! ... چرا که ما جرأت اندیشیدن به بسیاری کارها که پر مخاطره اما در واقع لازم هستند را نداریم... این فکر که در صورت رخ دادن فاجعه چه کسی جای پسر را برای مادر، شوهر برای همسر و پدر برای فرزند را خواهد گرفت ما را در انجام هر کاری ناتوان می‌سازد... واضح است که جنگ این تلقی متعارف از مرگ را از میان خواهد برد و مرگ دیگر پیشامدی محتمل نیست»<sup>۹</sup> این یک تلقی انسانی درباره اشتراکاتی بین همه انسان‌هاست، از جمله میل به زنده ماندن، آسایش و تأمین نیازهای جسمی است. شهید احمد رضا احدی، در دست نوشته‌های خود قبل از شهادت می‌نویسد: «کدام وجدان بیدار است که به قضاوت بنشیند که اگر من بودم مانند این‌ها می‌شدم و یا نه می‌ماندم و آسایش خود و

<sup>۱</sup> hero

<sup>۲</sup> ابوالقاسم، دادور، و نسرین، مقدم، درآمدی بر ارتباط قهرمانان اسطوره‌ای با هنرهای معاصر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۸، ص ۷

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> heroism

<sup>۵</sup> Ernest becker

<sup>۶</sup> Max Scheler

<sup>۷</sup> ارنست بکر، به نقل از شیلر، مقاله وحشت از مرگ، ترجمه توکلی، سامان، فصلنامه ارغنون، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸، ص ۳۱۴

<sup>۸</sup> Freud sigmund

<sup>۹</sup> زیگموند، فروید، اندیشه‌هایی در خور ایام جنگ و مرگ، ترجمه حسین، پاینده، فصلنامه ارغنون، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸، صص ۱۷۴-۱۴۵



خانواده‌ام را می‌چسبیدم؟ کیست که بداند جنگ یعنی سوختن... یعنی آتش، یعنی سرخ شدن جامه‌ای و سیاه شدن جامه‌ای دیگر، یعنی گریز به هر جا که اینجا نباشد، یعنی اضطراب که کودکم کجاست؟ جوانم کجاست؟ دخترم چه شد؟<sup>۱</sup>

مطالعه نظریات روانشناسان معاصر امکان بررسی اشتراکات انسانی را فراهم می‌آورد و مطالعه احوالات و بیانات رزمندگانی که در جبهه حضور فیزیکی داشته‌اند از جهتی ارزش دارد که به واقعیت نزدیک تر است. چنانکه زیگموند فروید نیز بیان می‌دارد که لازم است بین دو گروه تمایز قائل شویم: نخست کسانی که زندگی‌شان را خود در جنگ به مخاطره می‌افکنند و دوم آنانکه در خانه مانده‌اند، به یقین می‌توان گفت که مطالعه تغییرات روانی رزمندگان کاری بسیار جالب خواهد بود اما من اطلاع دقیقی از این تغییرات ندارم. در انتها معلوم می‌دارد که نویسنده نیز به دلایل مختلف اعم از عدم قرارگیری در شرایط خاص جنگ، و نداشتن ارتباط مستقیم با این افراد قادر به تحلیل دقیق روحیات رزمندگان داوطلب نیست. اما در یک نتیجه کلی می‌نویسد: دلایل عقلی قهرمانیگری متکی بر این عقیده است که زنده ماندن خود شخص نمی‌تواند به اندازه برخی آرمان‌های کلی و انتزاعی ارزشمند باشد.<sup>۲</sup> در واقع اینطور برداشت می‌شود که این عمل آنقدر پیچیده و بزرگ است، که به راحتی درباره آن نمی‌توان سخن گفت اما معلوم می‌شود که تنها یک انگیزه والا می‌تواند انسان را به گذشتن از جان خود ترغیب نماید.

ارنست بکر نیز به این نکته اشاره می‌کند که: «انسان به وسیله نماد و با باور به نامیرایی و همچنین گسترش هستی خود به جاودانگی، مرگ را دچار دگردیسی می‌کند، اینجاست که انسان مضطرب آرام می‌شود»<sup>۳</sup>

همانطور که گفتیم مطالعه حالات رزمندگان دفاع مقدس به مدد دست نوشته‌های شهدا در آخرین لحظات قبل از شهادت، اطلاعات خوبی درباره این تغییرات روانی که فروید اطلاع دقیقی از آن نداشت، به دست می‌دهد ضمن اینکه آن انگیزه والا را نیز آشکار خواهد ساخت.

شهید سید حسین علم الهدی (از دانشجویان مبارز پیرو خط امام که در سال ۱۳۵۹ به همراه ۱۲۰ دانشجوی مبارز، پس از پایداری بسیار در هویزه به شهادت رسیدند) لحظاتی قبل از شهادت می‌نویسد: «درون سنگر با خود سخن می‌گویم. راستی چه خوب است. آیات خدا را بخوانم تا این دل پرهیجان و پرتپش را آرامش دهد. بعد با آن برای خود توشه بسازم و توشه را راهی سفرم گردانم. و در انتظار شهادت بمانم و بمانم... آیات جهاد، شهادت، تقوی، ایمان، ایثار، اخلاص، عمل صالح... همه را

<sup>۱</sup> شهید احمد رضا احدی، حرمان هور، به اهتمام علیرضا کمری، سوره مهر ص ۶۰

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> ارنست بکر، پیشین، ص ۳۲۹

پیدا کنم و سنگر کلاس درسم باشد...»<sup>۱</sup> طلبه و پاسدار شهید محمدرضا احمدی زمانی نیز اینچنین نجوا می‌کند: «خدایا! پدر و مادرم خیلی بر گردن من حق دارند، ولی تو بیشتر حق داری، از تو می‌خواهم به آن‌ها صبر بدهی، خدایا! معبودا! دوست دارم مظلوم کشته شوم و در راهت اثری از من نماند.» شهید اسماعیل شیرازی در وصیت به خواهر خود می‌نویسد: «خواهرم! بعد از مدت‌ها انتظار، به آرزوی دیرینه خودم یعنی همان مرگ در راه خدا رسیدم و چه زیباست. زندگی در این دنیا برایم نه اهمیت دارد و نه لذت، بلکه شوق وصال به حق برایم معنی دارد.» شهید اکبر نباتچیان نیز می‌گوید: «الهی مرا هم جزو سربازان اسلام قرار ده و چنان شهادتی عطا فرما که همچون دلیران و جانبازان صدر اسلام بر صف کفر حمله بریم و راه را برای پیشروی اسلام هموار گردانیم.» شهید عبدالله فلاحی نیز نگاشته: وصیت ما این است: دفاع از اسلام تا آخرین لحظه، دفاع از انقلاب تا آخرین قطره خون.<sup>۲</sup>

دست‌نوشته شهید دکتر مصطفی چمران لحظاتی قبل از شهادت نیز جزئیات بیشتری از ابعاد اندیشه ایشان را عیان می‌کند: «ای حیات با تو وداع می‌کنم با همه زیبایی‌هایت... با قلبی سوزان و غم آلود به سوی خدای خود می‌روم و از همه چیز چشم می‌پوشم. ای پاهای من، می‌دانم شما چابکید، می‌دانم که به فرمان من مشتاقانه به سوی شهادت صاعقه وار به حرکت در می‌آئید، اما من آرزویی بزرگ‌تر دارم، می‌خواهم به اندازه قدرت اراده آهنینم محکم باشید، به سرعت تصمیمات و طرح‌هایم سریع باشید... ای دست‌های من قوی و دقیق باشید، ای چشمان من تیزبین و هوشیار باشید، ای قلب من، این لحظات آخرین را تحمل کن، ای نفس، مرا ضعیف و ذلیل مگذار، چند لحظه بیشتر با قدرت و اراده صبور و توانا باش و این لحظات حساس، لحظات وداع با زندگی و عالم، لحظات لقای پروردگار، لحظات رقص من در برابر مرگ باید زیبا باشید... خدایا! همه وجودم از اشک می‌جوشد، می‌لرزد، می‌سوزد و خاکستر می‌شود... به من اجازه بده تا در جوارت قربانی شوم و بر خاک ریخته شوم و از وجود اشکم غنچه‌ای بشکفد که نسیم عشق و عرفان و فداکاری از آن سرچشمه بگیرد... خدایا تو را شکر می‌کنم که باب شهادت را به روی بندگان خالصت گشوده‌ای تا هنگامی که همه راه‌ها بسته است و هیچ راهی جز ذلت و خفت و نکبت باقی نمانده است مسح توان دست به این باب شهادت زد و پیروزمند و پر افتخار به وصل خدائی رسید.»

از نزدیک نگرستن به قهرمانان ملی موجب تازه شدن روح و محکم شدن اراده آدمی در برخورد با مسائل و مشکلاتی می‌شود که با آن روبروست. دست‌نوشته‌های شهدا اسنادی هستند که به دور از هر گونه داستان پردازی و بازی با واژگان به منظور جذب مخاطب، نگاشته شده و از این حیث بسیار

<sup>۱</sup> سید حسین، علم الهدی «جهاد در قرآن، نشر بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ص ۱۴۰

<sup>۲</sup> <http://www.shahid۱۱.blogspot.com/>

ارزشمند است چرا که در دل حادثه پدید آمده و به دور از هر گونه ناخالصی و ریاکاری اجتماعی است و مطالعه آن‌ها انگیزه‌ها و اهداف حقیقی را نمایان می‌کند. در یک نتیجه‌گیری کلی، دفاع همه‌جانبه از آرمان‌های دینی و حفظ تمامیت ارضی به منظور حفاظت از همین ارزش‌ها، در بیانات رزمندگان شهید عرصه دفاع مقدس مشترک است.

و نکته اصلی اینجاست که چقدر این حقایق در آثار هنری حضور یافته و بیان شده است؟ پرداختن به قهرمانان ملی در کشورها مسئله‌ای است که همواره مورد توجه بوده است، تقویت روحیه مقاومت و غرور و افتخار ملی ضرورت است و حفظ واقعیات تاریخی برای قضاوت آیندگان از دغدغه‌های اصلی ملت‌هاست.<sup>۱</sup> امروز اگر بخواهید به انقلاب مکزیکی بپردازید از طریق آثار آن ممکن است، انقلاب فرانسه را از روی آثار باقیمانده می‌بینید و قضاوت می‌کنید که چقدر این انقلاب فرهنگی بوده است. انقلاب ما را هم از این طریق می‌شود شناسایی کرد<sup>۲</sup> (مصاحبه با دکتر کفشچیان مقدم).<sup>۱</sup> «بسیاری از آثار بر روی قهرمانی‌های ملت‌ها متمرکزند... در لشکرکشی ناپلئون به روسیه، دو نفر روایتگر بزرگ هنری، این ماجرا را روایت کردند: یکی فرانسوی که ویکتور هوگوست و دیگری روسی است - طرف شکست خورده، که اول کار شکست خورد - که تولستوی است. آن طرف پیروز طبعاً گزارش‌هایی را ممکن است بدهد؛ اما در آن طرف شکست خورده، شکست آن‌چنان تصویر می‌شود که مایه غرور و سربلندی ملت است. یعنی در حرکت ملت، آن نقاط ارزشمندی را که یک هنرمند می‌تواند ببیند، این‌ها را بیرون می‌کشد، برجسته می‌کند، رنگ و روغن می‌زند و جلو چشم‌ها می‌گیرد...»<sup>۲</sup> این چنین است که در اروپا و آمریکا و سایر کشورها پس از گذشت چند دهه از اتمام جنگ‌های جهانی، هنوز بازماندگان آن مدال شجاعت دریافت می‌کنند و هنرمندان یادمان و تندیس شجاعت می‌تراشند، بناهای یادبود کشته‌شدگان تجدید می‌شود و حافظه تاریخ را ماندگارتر می‌سازد. یادبود صلح فرانسویان که در آمریکا نصب شده، یادبودهای جنگ در فرانسه، روسیه و اسپانیا که هر کدام نشانگر سال‌های سخت و رنج آور جنگ‌ها بوده‌اند و امروزه این یادبودها تنها نشانه‌های ظاهری جنگ‌ها بشمار می‌روند، ترسیم رزمندگانی که با ازدحام خود سعی در برافراشتن پرچم کشورشان را دارند و فریادهای درونی آن‌ها که آسمان شهر را می‌شکافد، یعنی تهییج مردمان به استقلال میهن و پاسداری از ارزش‌های ملی، مجسمه‌های گلی، مفرغی و سفالین مردمان چین و ژاپن، پرچم‌ها، بیرق‌ها و مارش‌های نظامی... که هر کدام به نوعی ساخته دست هنرمندان عصر خود

<sup>۱</sup> اصغر، کفشچیان مقدم، این همان تفکر هنر انقلابی است، نشریه خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸، ص ۲۵۲

<sup>۲</sup> -سید علی خامنه‌ای، دیدار با هنرمندان دفاع مقدس



بوده‌اند. همه این‌ها نشانگر آن است که هنرمندان و متولیان هنر در سراسر دنیا هیچ گاه از قهرمانان ملت خود غافل نبوده‌اند.

ادوارد مونک<sup>۱</sup> نقاش اکسپرسیونیست نروژی در یکی از نوشته‌هایش می‌گوید: «دیگر تصویری از اندرون با مردانی که کتاب می‌خوانند و زنانی که بافندگی می‌کنند نقاشی نکنید، باید از انسان‌های زنده ای نقاشی کنید که احساس می‌کنند، رنج می‌برند و عشق می‌ورزند... تا مردم مجبور شوند آن‌ها را بشناسند»<sup>۲</sup> تأکید بر ضرورت شناساندن این افراد به دلیل تازه شدن روحیه آرمانخواهی در مردمان است. بنابراین، لازم است صفحات تاریخ دفاع علیه تجاوز را به دقت ورق بزنیم و فاتحان پیروز این جنگ مداوم تاریخ را از نزدیک ببینیم، از امیرکبیر و شیخ فضل آ... نوری و ستارخان و باقر خان و میرزا کوچک خان جنگلی و حاج همت و چمران و باکری تا جوانان و نوجوانانی کم سال و سن، گاه در سمت فرماندهی عملیاتی بزرگ و گاه تخریب چی و آرپیچی زن و گاه در عضویت گروهان شهادت و ایثار.<sup>۳</sup> شناساندن این افراد تنها به معنی باز کردن صفحات کهنه کتاب تاریخ و تنها زدودن گرد و غبار از چهره آن نیست، بلکه چهره نمایی الگو و اسوه برای اعضاء جدید جامعه و فرهنگ و ملل گوناگون است. چرا که «ما در این ماجرای هشت ساله، یک پیروزی مطلق به دست آوردیم... دشمنی به ما حمله کرده بود و می‌خواست بخشی از خاک ما را بگیرد، همه دنیا هم به او کمک کردند، ما هم مردانه ایستادیم. امروز کار عده‌ای که به میدان جنگ رفتند و حماسه آفریدند دیگر تمام شد. پس از پایان کار آن‌ها، نوبت هنرمندان است که این دیگر مسأله‌اش هشت سال نیست؛ هشتاد سال هم اگر طول بکشد، جا دارد...»<sup>۴</sup>

بنا به ضرورت‌های ذکر شده با نگاهی به نقاشی دیواری‌های دفاع مقدس که با همین اهداف پدید آمده‌اند، و با توجه به توضیحاتی که در فصل‌های قبل داده شد، در می‌یابیم که برخورد ما در قبال قهرمانان ملی و مذهبی مان تنها نمایش صرف چهره‌هایی بی رمق بر دیوارها بوده است.

با این توضیح، نمایش صرف چهره‌ها بر در و دیوار حکم همان نام‌های خیابان‌ها را دارند که آنقدر تکرار شده‌اند که وقتی نام باقری و همت و صیاد و مدرس و چمران را می‌شنویم تنها ترافیک شهری و شلوغی و تردد سنگین این بزرگراه‌ها در شهر تهران به ذهن خطور می‌کند! درباره آثار و تصاویر ارائه شده در این بزرگراه‌ها باید گفت: تصویر جای نام را گرفته و آنقدر تکرار شده که کارکرد خود را از دست

<sup>۱</sup> Edvard Munch

<sup>۲</sup> آرنولد، هاورز، فلسفه هنر معاصر، ترجمه محمد تقی فرامرزی، انتشارات آگاه، تهران ص ۴۴

<sup>۳</sup> گروهانی که قبل از شروع عملیات، داوطلبانه به میدان می‌رفت تا شدت آتش دشمن معلوم شود، مین‌ها خنثی شوند و راه باز شود. البته همگی به شهادت می‌رسیدند.

<sup>۴</sup> همان

داده است و کار ما در تبدیل کردن قهرمانان به کلیشه‌های ملال آور روزمره با موفقیت به اتمام رسیده است. البته این بار تفاوت نام با تصویر در آن است که این چهره‌های جدید را ما به ایشان بخشیده‌ایم، چهره‌هایی مصنوعی افسرده و ملول که هرگز با روحيات شهامت و مردانگی و آنچه که در دست‌نوشته‌ها و توصیفات هم‌زمان و اطرافیان آمده، سازگاری ندارد و هرگز قهرمانی را در ذهن مخاطب باز نمی‌سازد. (به تفاوت حالات دو چهره در تصاویر شماره ۱ و ۲ توجه کنید)



تصویر شماره ۱- تهران، بزرگراه شهید مدرس، مأخذ: عکس از نگارنده

تصویر شماره ۲- تهران، خیابان شهید گمنام، عکس مورد استفاده در تصویر شماره ۱)

تصویر شماره ۳- شهید سید ابراهیم تارا، بزرگراه کردستان- مأخذ: عکس از نگارنده

به تصویر شماره ۳ توجه کنید. چهره‌ای از یک شهید در دوران دفاع مقدس، در یک صفحه قرار به همراه یک جمله، صحنه‌ای از دریا و آسمان که چندان اطلاعاتی درباره او به دست نمی‌دهد، علت نصب آن در این مکان نیز مشخص نیست. چهره این شهید بدان سان طراحی شده که حالتی از طنز و نوعی مرموزی که در شخصیت‌های انیمیشنی استفاده می‌شود در آن دیده می‌شود. این نوع شخصیت پردازی از یک قهرمان دوران دفاع مقدس به طور حتم در تضاد با اهدافی است که موجب بر دیوار رفتن این تصاویر می‌شود. این تصویر که متعلق به چهره شهید سید ابراهیم تارا (تولد ۱۳۳۸ تهران- شهادت ۱۳۶۱، بوکان) است. فردی است که رادیو ضد انقلاب در زمان دستگیری‌اش ضمن اعلام دو روز جشن، اطلاعیه‌ای در منطقه پخش کرد و در آن اعلام کرد: «ما دست خمینی را در منطقه قطع کردیم»<sup>۱</sup> مبارز انقلابی که در مسائل ایدئولوژیکی بسیار فعال بوده و با پیروزی انقلاب و شروع تحولات ضد امنیتی در کردستان که مأمین گروهک‌های تروریستی بوده و فجایع فراوانی را علیه مردم و

<sup>۱</sup> فریبا، انیسی، گفتگو با همسر سردار شهید سید ابراهیم تارا، نشریه پیام زن، ماهنامه فرهنگی، اجتماعی،... شماره ۶۷،

سپاهیان رقم می‌زد، مسئولیت اطلاعات تیپ در کامیاران کردستان را به عهده می‌گیرد. به همراه همسر و نوزادش در دل خطر ساکن شده و با فداکاری بسیار در اوج گمنامی، مأموریت‌های فراوانی را به سرانجام رسانید و شاهد شهادت بسیاری از برادران خود به فجیع‌ترین وضع ممکن بود. او که خود سندی از مظلومیت شهدای کردستان است، توسط نیروهای کومله به اسارت گرفته شد و پس از شکنجه‌های طولانی به شهادت رسید.<sup>۱</sup> و حالا پس از گذشت بیست و نه سال از شهادت وی حفظ یاد و خاطره رشادت‌های او منوط به نقش تصویری منصوب به او در بزرگراه کردستان است، نقاشی دیواری که هرگز اشاره ای به رشادت‌های یک قهرمان مؤثر در سرنوشت یک ملت نداشته و بالعکس تصویری از یک ضد قهرمان ساخته است. این کار را در مورد کسانی انجام می‌دهیم که جملات وصیت نامه‌هایشان، سیره عملی و برخورد و گفتار و رفتارشان در صحنه‌های دشوار نبرد که هر کسی جز خود نمی‌تواند باشد، مجموعه‌ای است از صفات والا، فرهنگ‌های پسندیده و عقاید و معارفی ممتاز، سرشار از اخلاص و صدق و صفا، افرادی که هرگز به دنبال نام نبوده و آرزو می‌کردند «شهید گمنام» و «مفقود الاثر» باشند یعنی نه عکسی نه جانی و نه نامی...، اما راه و هدف و آرمانشان هرگز خدشه دار نشود. «آنان که در کنار هر نماد خدایی به دنبال نمود کشتند و با چفیه‌های بی‌ریایشان صورت‌های بی‌ادعایشان را پوشاندند.»<sup>۲</sup> این عظمت روح و رسیدن به درجه ای از رشد و بلوغ معرفتی، نشانمان می‌دهد که ما در بازنمایی حقایق هنوز از پوسته به درون، راهی نیافته‌ایم.

تصویر شماره متعلق به آزاده کهنوجی، یکی از قهرمانان حماسه آفرین دفاع مقدس است که امروز با دستانی بسته مهمان دیوار شهر هستند، (تصویر شماره ۴) هر چند که این نقاشی‌ها به دوران اسارت اشاره دارند، اما هیچ یک از حقایق اسارت را بازگو نکرده و اشاره ای به رشادت رزمندگان در دوران سخت شکنجه و آزار رژیم بعث، و مقاومت رزمندگانی که دشمن را به حیرت واداشته بود نشده است. در مقابل، چهره‌هایی ضعیف به تصویر کشیده است، تصویری که روح حماسه را در قاب تصویر زنجیر کرده است. (تصویر شماره ۴ و ۵)

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> احمدرضا، احدی، پیشین





تصویر شماره ۴- بزرگراه شهید مدرس، مأخذ: عکس از نگارنده

تصویر شماره ۵- همان



تصویر ۶- بزرگراه شهید چمران/ مأخذ: عکس از نگارنده تصویر ۷- عکس شهید مصطفی چمران

تصویر شماره ۶ متعلق به شهید دکتر مصطفی چمران، نابغه ایرانی است که اخیراً در بزرگراه شهید چمران نقاشی شده است. نه تنها این تصویر نیز، کوچک‌ترین سهمی در معرفی شخصیت واقعی و رشادت‌های ایشان نداشته، بلکه کاریکاتوری از چهره ایشان به نمایش گذاشته است. روایت طنز این چهره دفرمه شده هیچ قرابتی با اسوه مقاومتی که تنها متعلق به ملت ایران نیست، ندارد. او را در امریکا به عنوان دانشمندی بزرگ، در مصر چریک درجه یک، در اسرائیل درهم کوبنده رویای نیل تا فرات، در فلسطین و لبنان یاور محرومین و مظلومان می‌شناسند و به عنوان چشم و قلب خود او را می‌نامند. دکتر مصطفی چمران (متولد ۱۳۱۱، تهران-شهادت ۱۳۶۰ دهلاویه) شاگرد درس تفسیر قرآن مرحوم آیت الله طالقانی، و درس فلسفه و منطق استاد شهید مرتضی مطهری و ... و از اولین

اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود. در مبارزات سیاسی دوران مصدق از مجلس چهاردهم تا ملی شدن صنعت، زحمات فراوانی کشید.

وی که شاگرد اول دانشکده فنی دانشگاه تهران بود، در سال ۱۳۳۶ در رشته الکترومکانیک فارغ التحصیل شد و یکسال به تدریس در دانشکده فنی پرداخت. در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز به امریکا اعزام شد و پس از تحقیقات علمی در جمع معروفترین دانشمندان جهان در دانشگاه کالیفرنیا و معتبرترین دانشگاه امریکا برکلی با ممتازترین درجه علمی موفق به اخذ دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما گردید. هر چند که در جریان مبارزات علیه رژیم شاهنشاهی، اعتراض به دولت امریکا را به صحن سازمان ملل نیز کشانیده بود و به دلیل این مبارزات بورسیه تحصیلی اش قطع گردید اما کماکان مورد توجه جامعه علمی آمریکا به عنوان یک دانشمند برجسته بود و امکانات رفاهی فراوانی در اختیار داشت. با این وجود، امریکا را ترک کرده و رهسپار مصر شد. مدت دو سال در زمان جمال عبد الناصر سختترین دوره‌های چریکی و پارتیزانی را آموخت و به عنوان بهترین شاگرد این دوره شناخته شد. سپس به کمک امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، حرکت محرومین و سپس جناح نظامی آن، سازمان «امل» را بر اساس اصول و مبانی اسلامی پی ریزی کرده و در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ بهنگام جنگ شش روزه اعراب و اسراییل برای اولین بار تانک‌های اسراییل را در جنوب لبنان را به آتش می‌کشد. ضمن اینکه برای کمک به انقلاب ایران، گروه زبده ای را تربیت و آماده کرده بود که در این اثنا انقلاب اسلامی ایران پیروز می‌شود.

شهید دکتر چمران تا اینجای زندگی اش یک اسوه، یک دانشمند، یک چریک نظامی، یک انسان مبارز و یک مسلمان خودساخته است که از امریکا و مصر و لبنان و از قلب بیروت سوخته و خراب تا قله‌های بلند کوه‌های جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانی‌های بسیاری به یادگار گذاشته و برای همیشه در قلب محرومین و مستضعفین شیعه جای گرفته است.

او در بازگشت به تهران از طرف امام خمینی (ره)، به وزارت دفاع منصوب گردید. و در قائله کردستان شجاعت‌های فراوانی از خود بروز داد. با شروع جنگ تحمیلی در دل جبهه به تربیت و سازماندهی رزمندگان پرداخت و ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز تشکیل داد. ایجاد واحد مهندسی فعال برای ستاد جنگ‌های نامنظم یکی دیگر از ابتکارات او در جنگ تحمیلی بود که به کمک آن جاده‌های نظامی به سرعت و در نقاط مختلف ساخته شد و با نصب پمپ‌های آب در کنار رود کارون و احداث یک کانال به طول حدود بیست کیلومتر و عرض یکصد متر در مدتی کوتاه، آب کارون به طرف تانک‌های دشمن روانه شد، بطوری که آن‌ها مجبور شدند چند کیلومتری عقب نشینی کنند و سدی عظیم مقابل خود بسازند. این عمل تسخیر اهواز و تحقق رویای قادسیه صدام را غیر ممکن کرد. از

دلآوری‌های کردستان و شکستن حصر پاوه تا فداکاری‌های سوسنگرد و اهواز و بستان و دهلاویه و... حضور در صنایع موشک‌سازی سراسر شجاعت و ایده و قدرت و قهرمانی بود. در نهایت در ۳۱ خردادماه سال ۱۳۶۰ در دهلاویه مورد اصابت خمپاره دشمن قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل آمد در حالیکه جبهه‌های ایران تنها ۹ ماه نعمت چمران را با خود داشت.

در حالیکه به سختی می‌توان رشادت‌های این قهرمان فرا مرزی را در چند سطر ذکر کرد، سهم قهرمان پردازی ملت ایران و وظیفه ابلاغ آن‌ها توسط نقاشی دیواری‌های حماسی دفاع مقدس، قطعه عکسی است که از او در بزرگراه شهید چمران و چند نقطه دیگر به نمایش در آمده، چهره ای دفرمه، کاریکاتور گونه و معوج «هر چند که هنرمندان معمولاً ابزارهای کمکی طراحی را کنار می‌گذارند و به چشمان خود اعتماد می‌کنند»<sup>۱</sup> اما با اینکه در به تصویر کشیدن این چهره‌ها از انواع وسایل جهت بزرگ کردن طرح روی دیوار استفاده می‌شود، شاهد این نوع ضعف تکنیکی و تنظیم ناصحیح دستگاه و انتقال سهل انگارانه تصویری را روی دیوار هستیم.

شناخت تنها گوشه ای از زندگی نامه این قهرمان ملی نشان می‌دهد که در امر قهرمان پردازی در این قبیل آثار چقدر کوتاهی شده است، برخوردی اینگونه با قهرمانان ملی، نمایانگر شناخت ناکافی از جنگ تحمیلی و حقیقت صحنه گردانان دفاع مقدس است. " دو قطب بزرگ دنیای آن روز یعنی قطب امریکا و قطب شوروی سابق - مشترکاً با همه ساز و برگشان به کمک عراق آمدند. این‌ها کجا و در کدامیک از این آثار هنری ما درست تبیین و تشریح شده است؟ صفات پسندیده انسانی، از شجاعت، از ایثار، از اخلاص، از صدق و صفا، از بروز تدبیرهایی که از یک جوان چنین تدابیری انتظار نمی‌رفت - این برجستگی هائی که در دوره هشت سال دفاع مقدس به وجود آمد - اتفاق افتاد، با هزینه‌های زیادی هم همراه بود. چقدر جان عزیز فدا شد، چقدر ثروت مال و ثروت وقت مصرف شد. شما امروز آن‌ها را در واقع با کار هنری خودتان بازآفرینی می‌کنید..." (مقام معظم رهبری در جمع هنرمندان دفاع مقدس)<sup>۲</sup>

درباره آثار نقاشی دیواری دفاع مقدس باید گفت که ما نیازمند نشان دادن کنه حقیقت و بیان اهداف و انگیزه‌های اصلی این قهرمان هستیم. بنا به گفته ارنست بکر «نخستین کاری که باید در برخورد با قهرمانی گری کرد آن است که کنه آن را عیان کنیم و نشان دهیم که چیست آنچه به قهرمانی‌های انسانی ماهیت و نیروی ویژه آن را می‌دهد»<sup>۳</sup> ما نیازمند هنری هستیم که قهرمانان را آنگونه که بودند به تصویر بکشد، خاکسارانی که در آنچه فراتر از زمان و مکان است محو شده‌اند و از فرط زلالی

<sup>۱</sup> ه و جنسن و آ.ف جنسن، پیشین ص ۳۹

<sup>۲</sup> <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanatArchive-1>

<sup>۳</sup> ارنست، بکر، پیشین، ص ۳۱۳

بی رنگی و شفافیت یافته‌اند.<sup>۱</sup> متأسفانه در برخی موارد قدرت و حماسه و شجاعت جای خود را به تحقیر و کوچک نمایی سپرده است. "بر عکس ما که اندیشه را کوچک می‌کنیم تا در قاب تصویر جایش دهیم. در همان سال‌هایی که قهرمان پروری در آثار آوینی پرداختن به عواطف و انسانی و رعایت اخلاقیات بود، در همین کشور آثاری تولید می‌شد که قهرمان پروری از نوع نگاه مادی بود قهرمان این گونه آثار قدی بلند داشت، صورتی خشن، هیكلی درشت و زور مدار در حالی که قهرمان آثار آوینی جثه ای‌ای نحیف و لاغر با نشانی از تکرار تضرع در پیشگاه پروردگار داشت به همراه چهره ای‌ای نورانی و مهربان و به جای زور مداری؛ عشق مداری از نشانه‌های بارز آن بود از این گونه شخصیت‌ها بسیار در برنامه روایت فتح<sup>۲</sup> سال‌های جنگ می‌بینیم، قهرمان‌های روایت فتح عاری از ظواهر جاری دنیوی بودند، ولی به دل همه می‌نشستند."<sup>۳</sup> اما در نقاشی دیواری‌های دفاع مقدس به ندرت شاهد چنین پردازشی هستیم و در عوض رد پای از نوعی غرور و تکبر در برخی از چهره‌ها دیده می‌شود. (تصویر شماره ۱۵۰ و ۱۵۱- نقاشی دیواری شهید همت و عکس او را با یکدیگر مقایسه کنید) از آنجا که قهرمان پردازشی فرآیندی است که در ذهن شکل می‌گیرد و نیازمند لطافت و دقت نظر است، این نوع پردازش‌ها (خصوصاً اگر بیانگر خصوصیات چون تکبر باشند) به طور نامحسوسی موجب از دست دادن مخاطبان خواهد شد. (به تصاویر ۱۵۲ و ۱۵۳ توجه کنید)

در حال حاضر از قهرمانان و داستان‌های حماسی در جهان بهره‌های فراوانی برده می‌شود، چرا که «داستان‌های حماسی نیز همچون قصه‌ها منبع الهام غنی در ساخت آثار هنری معاصر هستند»<sup>۴</sup> استفاده تجاری از ایده‌های قهرمانان اسطوره ای در آثار هنری معاصر در جذب مخاطب بسیار موفق بوده است: بازی‌های رایانه ای، انیمیشن، فیلم‌ها و پوستره‌های تبلیغاتی و بلکه انواع هنر... آثاری از این دست چنان برمخاطب- اغلب از گروه سنی جوان و نوجوان هستند- اثر گذاشته و شخصیت قهرمان را در ذهن افراد باورپذیر و محبوب می‌سازد که نفوذ آن در لایه‌های اجتماع و ظهور و بروز آن در عرصه‌های مختلف انکار ناپذیر است. قهرمانانی که تنها ساخته و پرداخته یک ذهن خیال پرداز و با الهام از اساطیر و افسانه‌ها شکل گرفته و پرورش یافته است، قهرمانانی شکست ناپذیر، نیرومند، دور از دسترس، خوش اندام، خوش لباس، زیبا و دارای بهترین سلاح‌ها که کسی را یارای رویارویی با ایشان

<sup>۱</sup> مرتضی، گودرزی (دیباچ)، تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر، انتشارات سمت، ۱۳۸۴ ص ۱۷۰ به نقل از علیرضا کمری، نام آورد، دفتر اول، ص ۱۳۰ و ۲۶۹

<sup>۲</sup> مجموعه مستند تلوزیونی از حبه‌های جنگ تحمیلی، اثر شهید سید مرتضی آوینی، تولید شده در دهه ۶۰

<sup>۳</sup> به نقل از نشریه شمیم عشق، نشریه تخصصی دفاع مقدس، شماره ۳۱ مهرماه ۱۳۸۸

<sup>۴</sup> همان



نیست. شخصیت‌هایی مانند: بت من،<sup>۱</sup> سوپرمن،<sup>۲</sup> مرد عنکبوتی،<sup>۳</sup> آنگمون،<sup>۴</sup> دیجیمون،<sup>۵</sup> و... در انیمیشن‌ها، فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و... به دلیل جذابیت در طراحی، ساخت و تکنیک، آنچنان در بین کودکان، نوجوانان و برخی جوانان مقبولیت یافته که بازار لوازم تجاری و تبلیغاتی مرتبط با آن‌ها نظیر لوازم التحریر، لباس، لوازم سرویس خواب، کیف و کفش، و... بسیار گرم است.

نوجوانی که با علاقه فراوان از لباسی که نقش قهرمان مورد نظر او را در بر دارد استفاده می‌کند، تلاش می‌کند تا با او همذات‌پنداری نموده و از او الگویی برای خود بسازد، رفتار و حرکات او را مورد تقلید قرار دهد و آنچنان او را در ذهن آماده و خالی خود پرورش دهد که گویی با او در ذهن زندگی می‌کند. نوجوان آرمانخواه و بلند پرواز، به طریقی نا محسوس فرهنگ سازنده این محصولات را نیز در می‌یابد. سازندگانی که اغلب در تضاد و تقابل کامل با ارزش‌های فرهنگی ما قرار دارند. چرا که «قهرمان سازی یکی از ارکان محتوایی غرب و راهی است که دولت‌های استکباری، برای تعدیل و تنظیم مؤلفه‌های اجتماعی در جهت تمایلات شیطنی یافته‌اند... بررسی قهرمانان مخلوق تبلیغات می‌تواند مسیر اجتماعی غرب را در مسیر قبول ارزش‌های نوین سرمایه داری به ملت نشان دهد...»<sup>۶</sup> امام خمینی (ره) هنر زیبا و پاک را اینچنین توصیف می‌کنند: «هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه داران مدرن و کمونیسیم خون آشام و نابودکننده رفاه و تجمل و اسلام التقاط، اسلام سازش ... و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد»<sup>۷</sup> با چنین روشنگری از دسیسه‌های غرب و در چنین کلامی ذهن نوجوان تغذیه و رشد می‌کند و خود او در زمان خودش به یک قهرمان بدل می‌گردد چرا که اسوه و الگوی خود را یافته است.

اگر دفاع مقدس در معرفی شخصیت‌های حقیقی خود، حتی به دور از اغراق و بزرگنمایی‌ها موفق عمل می‌گردد و تنها قهرمان پردازی می‌کرد، نوجوانان امروز، چشم به قهرمان پروری‌های دروغین و افسانه‌ای نمی‌دوختند و الگوهای خود را از این میان نمی‌جستند. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که دفاع مقدس، نیازی به ساخت و پرداخت قهرمانان ندارد، یعنی آثار هنری ما نیاز به قهرمان پروری ندارند، بلکه تنها قهرمان پردازی در آثار دفاع مقدس کافی است و برای این امر نمونه و شاهد و مثال کم نداریم. "این هشت سال دوره دفاع مقدس، شامل هزاران هزار حادثه است اگر یک فهرست از این

<sup>۱</sup> Bat man

<sup>۲</sup> Super mam

<sup>۳</sup> Spider man

<sup>۴</sup> angemon

<sup>۵</sup> digimon

<sup>۶</sup> سید مرتضی، آوینی، توسعه و مبانی غرب، نشر ساقی، چاپ دوم، دی‌ماه ۱۳۷۶. ص ۱۷ و ۱۸

<sup>۷</sup> پیام امام خمینی (ره) به هنرمندان در سال ۱۳۶۸





حوادث به وجود آوریم، من اعتقاد اینست که خواهیم فهمید ما یک هزارم آنچه را که درباره این جنگ می‌باید می‌توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم. من غالب آثار هنری جنگ را یا دیده یا شنیده‌ام؛ همه این‌ها در مقابل آن گنجینه عظیمی که در این دفاع هشت ساله به وسیله ملت ایران به وجود آمد، چیز کمی است. این‌ها کجای آثار هنری ما منعکس شده است؟ آیا قابل انعکاس نیست؟ آیا برای نسل‌های آینده ایران تجربه‌آموز نیست؟ به هر حال این پدیده در تاریخ ایران ما یک پدیده حقیقتاً بی‌نظیر یا کم‌نظیر بود. این پدیده به این بزرگی، آن هم با این همه شکوه و با این همه زیبایی، چه موضوعی برای یک هنرمند از این جذاب‌تر؟...<sup>۱</sup> (مقام معظم رهبری)

به راستی هشت سال جنگ تحمیلی با تمام حوادث و رشادت‌ها و حماسه آفرینی‌هایش در نمایش چند چهره بر تعدادی دیوار خلاصه می‌شود؟

کاظم چلیپا معتقد است: «در کشورهایی مثل فرانسه و شوروی یا هر کشور دیگری به غیر از هنر ملی هنری وجود دارد که تاریخ معاصر آن کشور را به صورت تصویری اعم از جنگ‌ها، پیروزی‌ها، و مقاومت‌های آن ملت در اختیار مردم قرار می‌دهد، که ما هیچ تاریخ مصوری در مورد مردمی که در مرزها تهاجم را تحمل کردند نداریم.»<sup>۲</sup> ناصر پلنگی نیز گفته است: «در خارج از ایران هنر ایران را در حد سینمای آن می‌شناسند، واقعیت اینست که ما کاری نکرده‌ایم که آن‌ها شناختی داشته باشند»<sup>۳</sup> دکتر محمد کاظم حسنونند نیز بر این اعتقاد است: «شاید در دوره دفاع مقدس این استقبال از سوی هنرمندان بیشتر صورت گرفت و ما در این دوران شاهد تعدادی اثر نقاشی دیواری هستیم که توسط هنرمندان آکادمیک در شهرهای مختلف از جمله شهرهای جنگی اجرا شد، اما با اتمام جنگ تحمیلی تولید آثاری از این دست به خاموشی گرایید، برخی اینگونه عنوان کردند که تب و تاب جنگ باعث فعالیت هنرمندان می‌شد که بعد از پایان جنگ هیجان هنرمندان فروکش کرد»<sup>۴</sup>

پس از مطالعه نظرات هنرمندان و صاحب‌نظران ارزیابی مردم و مخاطبان<sup>۵</sup> نیز مثمر است. این ارزیابی نشان می‌دهد که ۱۰۰٪ این افراد حضور مضامین دفاع مقدس را در سطح دیوارهای شهر الزامی می‌دانند. ۸۰٪ معتقدند که آثار دیواری موجود تأثیر گذار نیستند. ۹۵٪ بر لزوم قهرمان پردازی در این آثار تأکید دارند و همچنین ۹۵٪ بر این اعتقادند که این آثار قهرمان پرداز نبوده و حتی اطلاعات کمی درباره شخصیت شهدا و ویژگی‌های دفاع مقدس ارائه نمی‌کند. بنابراین ملاحظه می‌شود که مخاطبین

<sup>۱</sup> سید علی، خامنه‌ای، دیدار رهبری با هنرمندان (www.w.khameneyi.ir)

<sup>۲</sup> چلیپا، کاظم، پیشین، ص ۱۳۸

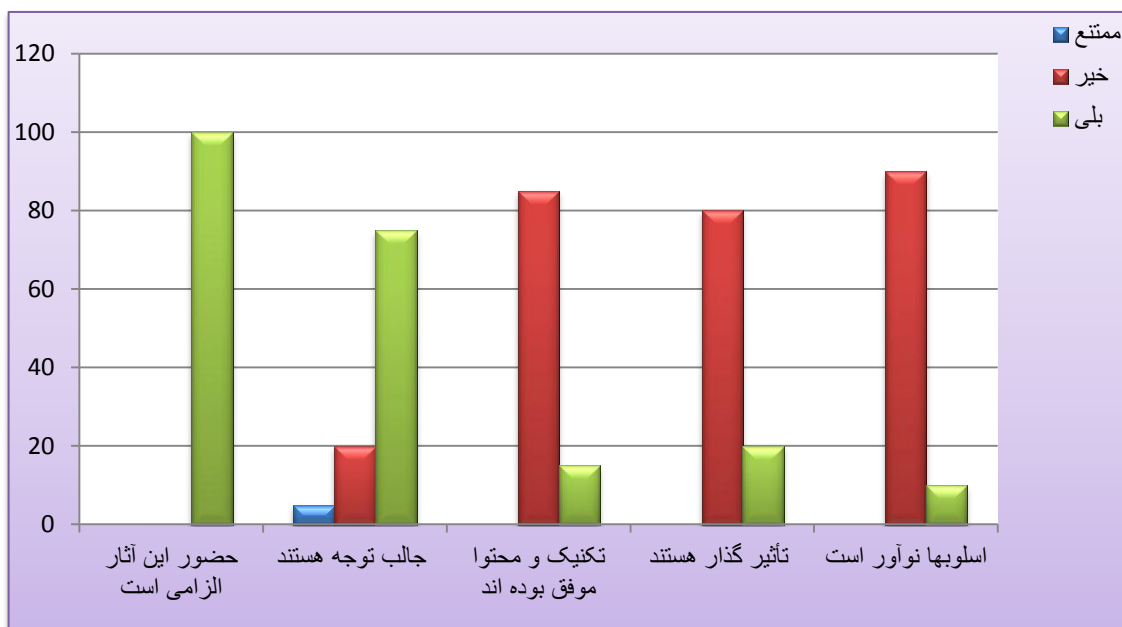
<sup>۳</sup> ناصر، پلنگی، پیشین، ص ۴۳۱

<sup>۴</sup> محمد کاظم، حسنونند، تمایل موزه‌های دنیا برای نمایش هنر انقلاب و مقاومت، خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸، ص ۴۶۳

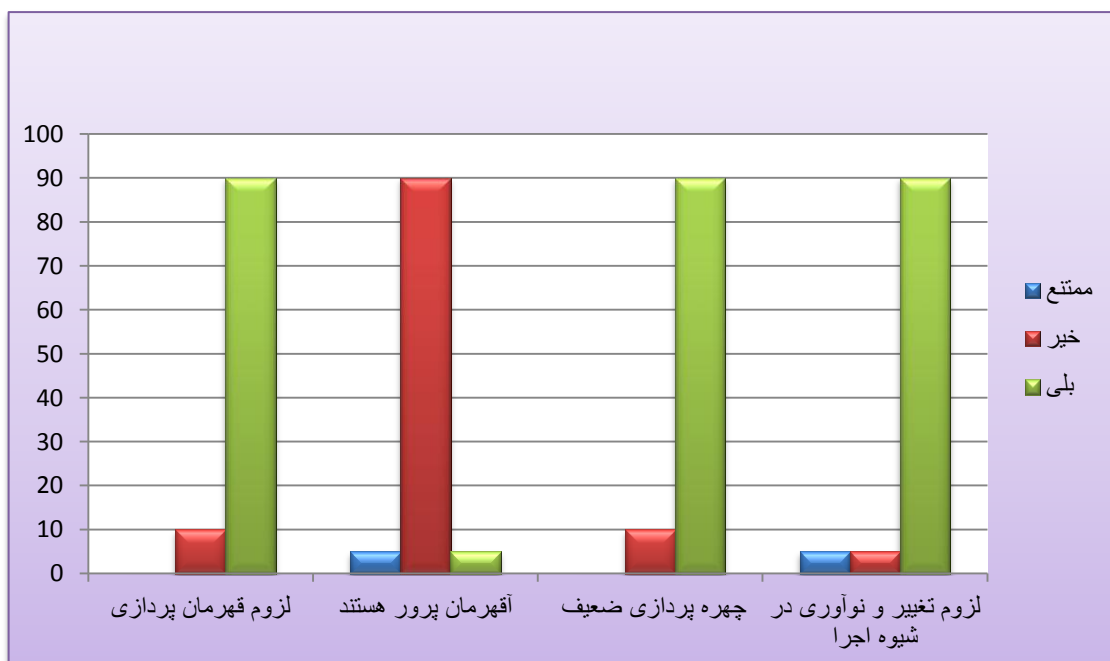
<sup>۵</sup> نیمی از آن‌ها نسل سومی (کسانی که جنگ را ندیده‌اند) و نیمی دیگر از نسل دوم (کسانی که جنگ را درک کرده‌اند یا خود رزمنده بوده‌اند) - با عقاید و فرهنگ مختلف -



سعی در برقراری ارتباط با این آثار دارند و نسبت به موضوعات دفاع مقدس ابراز علاقه می‌کنند. ۷۵٪ به این آثار توجه می‌کنند (که ۷۵٪ این افراد علت توجه خود را علاقه به حوزه دفاع مقدس بیان کرده‌اند ۲۵٪ درصد بقیه، آثار را فاقد جذب و جلب توجه خود می‌دانند) (نمودارهای شماره ۱ و ۲ ارزیابی مخاطبان). نمودار شماره ۲-۳ ارزیابی آثار توسط مخاطبین (نتایج نظرسنجی-۱)



نمودار شماره ۱ - ارزیابی آثار توسط مخاطبین (نتایج نظرسنجی)



نمودار شماره ۲- ارزیابی آثار توسط مخاطبین (نتایج نظرسنجی)

## نتیجه گیری:

شناخت قهرمانان و بازیابی علل توفیقشان قبل از آنکه خدمتی به قهرمانان باشد، رهگشای حرکت سریع تر جامعه در گام‌های رو به جلوست چرا که «قهرمانان همواره در یادها زنده می‌مانند و قصه آن‌ها به گونه ای مؤثر بر سر زبان‌هاست.»<sup>۱</sup> شناساندن قهرمانان ملی، همان عیان کردن زیبایی‌های جنگ تحمیلی است حادثه ای که شاید از هر چیز دیگری نازیباتر باشد. سعید صادقی می‌گوید: "دشمن از همین زیبایی‌ها می‌ترسید و ریشه‌ها را نشانه گرفت... امروز دیگر نمی‌توانیم لحظه‌های خوب گذشته را تقسیم کنیم، نتوانستیم وقایع انقلاب و جنگ را صادقانه و کارشناسانه حفظ کنیم و به آیندگان منتقل کنیم تا آن‌ها مجبور نشوند از صفر شروع کنند."<sup>۲</sup>

در نگاهی به آثار دیواری دفاع مقدس درمی‌یابیم مفاهیم والایی که همواره از آن سخن گفته می‌شود، چندان ظهور و بروز شکوهمندی در آثار دیواری مورد مطالعه نیافته است و برخی کوتاهی‌ها در پرداخت‌های تکنیکی و در تکرار ملال انگیز دیوارهای شهر، مسیر تبدیل شدن قهرمان به ضدقهرمان را طی کرده است. «اگر کارنامه مراکز هنری را در حوزه نقاشی بررسی کنیم، می‌بینیم اغلب در مقاطعی آثاری شتابزده در رابطه با ایثار یا جنگ و مانند آن به وجود آمده است»<sup>۳</sup>

در این بین اعتقاد به قهرمان پردازی در آثار نقاشی دیواری دفاع مقدس و ایجاد الگو و اسوه برای نسل‌های آینده ضروری است. «هنوز هم مسایلی از این قبیل که چرا می‌آییم و چرا می‌رویم از سؤالات اساسی‌اند و این‌ها در کنار ترس‌ها و رویاهای مشترک، همگی حکایت از آن دارد که ما در کمند ساختن و بازسازی اسطوره‌هایی در سطح درک و دانش امروزی گرفتاریم.»<sup>۴</sup> و برای ماندگار کردن قهرمانانمان نه در حد اسطوره بلکه تنها در همان حدی که از عکس‌ها، دست نوشته‌ها و مستندات خود ایشان بدون هیچ گونه پرداخت هنری بر می‌آید، گامی بر نداشته‌ایم.

## فهرست منابع

احمدرضا، احدی، حرمان هور، به اهتمام علیرضا کمری، سوره مهر، اسفند، ۱۳۸۹  
 آوینی، محمد، خلاقیت و تجربه معنوی، نشریه خیال شرقی شماره ۴، ۱۳۸۸،  
 جنسن، هورست ولدمار، و جنسن، آنتونی ف تاریخ هنر جهان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، چاپ اول،  
 تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۹۰،

<sup>۱</sup> ابوالقاسم، دادور و نسرين، مقدم، پیشین، ص ۸

<sup>۲</sup> سعید، صادقی، حسرت جا ماندن امروز خود را می‌خورم، نشریه خیال شرقی، شماره ۴، ص ۲۶۸

<sup>۳</sup> محمد کاظم، حسنوند، تمایل موزه‌های دنیا برای نمایش هنر انقلاب و مقاومت، پیشین، ص ۴۶۳

<sup>۴</sup> عباس، مخبر، اسطوره و رویای جمعی، ماه هنر، شماره ۳۶، صص ۵۷-۶۱



- پلنگی، ناصر، بوی خون و خاکستر هنوز در مشام من است، نشریه خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸.
- اسدی، مرتضی، نقاشی جنگ برای صلح، نشریه خیال شرقی، شماره ۴، ۱۳۸۸.
- <sup>۱</sup> چلیپا، کاظم، مشکل سیاست گذاری‌ها و مدیریت‌هاست، نشریه خیال شرقی ۴، نشر فرهنگستان هنر، ۱۳۸۸.
- قدیریان، عبدالحمید، در هنر دینی و شیعی معیار مفهوم است، نشریه خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸.
- بقراطی، فائقه، بازنگری هویت و جستجوی زبان شخصی در دهه ۱۳۶۰، نشریه حرفه هنرمند شماره ۳۱، زمستان ۱۳۸۸.
- پاکباز، رویین، دائرة المعارف هنر، چاپ نهم، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۹.
- پاکباز، رویین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، نشر زرین و سیمین، ۱۳۸۲.
- آوینی، سید مرتضی، حلزون‌های خانه به دوش، نشر ساقی، و آوینی پاسخ می‌دهد، تدوین مجید باقری، نشر سازمان بسیج دانشجویی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲.
- طاهری، غلامعلی وقتی به قطعه شهدا می‌روم تمام چهره‌ها برایم آشنا هستند، خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸.
- <sup>۱</sup> دادور، ابوالقاسم و مقدم، نسرین، درآمدی بر ارتباط قهرمانان اسطوره‌ای با هنرهای معاصر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۸.
- <sup>۱</sup> بکر، ارنست به نقل از شیرلر، مقاله وحشت از مرگ، ترجمه توکلی، سامان، فصلنامه ارغنون، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸.
- <sup>۱</sup> فروید، زیگموند، اندیشه‌هایی در خور ایام جنگ و مرگ، ترجمه حسین، پاینده، فصلنامه ارغنون، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸.
- بکر ارنست، مقاله وحشت از مرگ، ترجمه توکلی، سامان، فصلنامه ارغنون، سازمان چاپ و انتشارات، تهران/۱۳۷۹ و ۱۳۸۸.
- علم الهدی، سید حسین، جهاد در قرآن، نشر بنیاد شهید انقلاب اسلامی،
- کفشچیان مقدم، اصغر، این همان تفکر هنر انقلابی است، نشریه خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸.
- <sup>۱</sup> هاورز، آرنولد، فلسفه هنر معاصر، ترجمه محمد تقی فرامرزی، انتشارات آگاه، تهران
- <sup>۱</sup> انیسی فریبا، گفتگو با همسر سردار شهید سید ابراهیم تارا، نشریه پیام زن، ماهنامه فرهنگی اجتماعی، شماره ۶۷،
- جنسن، هورست ولدمار، و جنسن، آنتونی ف تاریخ هنر جهان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، چاپ اول، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۹۰.



ارنست، بکر، بکر، ارنست، مقاله وحشت از مرگ، ترجمه توکلی، سامان، فصلنامه ارغنون، سازمان چاپ و انتشارات، تهران ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸

<sup>۱</sup> مرتضی، گودرزی (دیباچ)، تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر، انتشارات سمت، ۱۳۸۴ به نقل از علیرضا کمری، نام آورد، دفتر اول،

<sup>۱</sup> مجموعه مستند تلوزیونی از حبه‌های جنگ تحمیلی، اثر شهید سید مرتضی آوینی، تولید شده در دهه ۶۰

<sup>۱</sup> به نقل از نشریه شمیم عشق، نشریه تخصصی دفاع مقدس، شماره ۳۱ مهرماه ۱۳۸۸

<sup>۱</sup> سید مرتضی، آوینی، توسعه و مبانی غرب، نشر ساقی، چاپ دوم، دی‌ماه ۱۳۷۶.

<sup>۱</sup> پیام امام خمینی (ره) به هنرمندان در سال ۱۳۶۸

<sup>۱</sup> چلیپا، کاظم، چلیپا، کاظم، ایستادگی در برابر ظلم، خیال شرقی شماره ۴، نشر فرهنگستان هنر، ۱۳۸۸

<sup>۱</sup> محمد کاظم، حسنوند، تمایل موزه‌های دنیا برای نمایش هنر انقلاب و مقاومت، خیال شرقی ۴، ۱۳۸۸

<sup>۱</sup> ابوالقاسم، دادور و نسرین، مقدم، درآمدی بر ارتباط قهرمانان اسطوره ای با هنرهای معاصر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۸

<sup>۱</sup> سعید، صادقی، حسرت جا ماندن امروز خود را می‌خورم، نشریه خیال شرقی، شماره ۴،

<sup>۱</sup> محمد کاظم، حسنوند، تمایل موزه‌های دنیا برای نمایش هنر انقلاب و مقاومت، جنبش نقاشی دیواری مکزیک، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۲

<sup>۱</sup> عباس، مخبر، اسطوره و رویای جمعی، ماه هنر، شماره ۳۶،

